

یادگیری فعال

طاهره خردور

با نگاه محبت‌آمیز و چهره‌ی بشاش به آن‌ها آرامش و امید بدهیم. - در صورتی که متوجه شدیم کودک شکل کلمه را نمی‌داند، اجازه بدهیم خیلی آرام از دوستش یا از ما بپرسد. - هیچ اشکالی ندارد گاهی کلمه‌ی دشوار را همان لحظه روی تخته برای کودکان بنویسیم. نگران نباشید. یادگیری جذاب و شیرین و خوشایند در همین لحظه‌ها اتفاق می‌افتد.

من زیبا نوشتن، درشت و خوانا نوشتن روی تخته را برای یادگیری بهتر ضروری می‌دانم. اگر من خوش خط بنویسم، چشم کودک به زیبا نوشتن عادت می‌کند و او هم سعی می‌کند زیبا بنویسد. - لحظه‌های شاد و مفرح ایجاد کردن از ویژگی‌های من و تو در کلاس است. در پایان املا، از دانش‌آموز خود بخواهید سر جایش بایستد. انگشتان دست و گردن و کمرش را ورزش دهد - حتی می‌توانیم از کودکان برای نوشتن تشکر کنیم.

می‌توانیم از کودک بخواهیم خودش به آرامی از روی املاش بخواند و اگر در خواندن یا نوشتن کلمه‌ای مشکل دارد، آن را از ما یا از دوستش بپرسد و اصلاح کند.

- من برای اهمیت دادن بیشتر، زیر املا‌ی کودک را امضا می‌کنم و کلمه‌های تشویق‌آمیز برایش می‌نویسم.

گاهی لازم است در پایان املا فعالیت گروهی داشته باشیم. مثلاً از بچه‌ها بپرسیم کدام کلمه برایتان دشوار بود. کلمه را روی تابلو بنویسید و درباره‌ی آن در کلاس بحث کنید.

هر چند خیال‌پردازی باعث حواس‌پرتی کودکان می‌شود، اما برای مثال در اینجا می‌توان از آن‌ها پرسید:

«چه کسی به صحرا رفته است؟ صحرا چه‌طور جایی است؟ با صحرا یک جمله‌ی خنده‌دار بگو.»

بعد هم می‌توان جمله‌های بچه‌ها را روی تخته نوشت. در این مرحله، وقتی مثلاً به کلمه‌ی صحرا رسیدید، آن را درشت‌تر یا با رنگی دیگر بنویسید تا توجه کودکان را جلب کند. این امر سبب می‌شود کودکان یادگیری و مشارکت فعال داشته باشند.

به این ترتیب، نه تنها شادی و مسرت را در آموزش

به همراه می‌آورید، بلکه به افزایش

دایره‌ی لغات کودک هم

کمک می‌کنید.

گاهی وقتی املا می‌گوییم، از خودمان راضی نیستیم. فضای نوشتن و مطالب تکراری‌اند، غلط‌های املا‌یی تکراری و کودکان کسل‌اند. ما هم همان آموزگار خشک کلاسی هستیم که دائم می‌گوییم: «ساکت! وقت املا که می‌سؤال نمی‌کنند؟ می‌نگو خانم من صدای شما را نمی‌شنوم، می‌بانه نگیر و نگو خانم تشنه‌ام شده، صبر کن املا تمام شود و...».

همه کم و بیش با این جور مسائل برخورد کرده‌ایم. این وضعیت ناراحت‌کننده است. به همین خاطر، من سعی کرده‌ام جور دیگری به روش املا گفتن نگاه کنم.

همه‌ی ما می‌دانیم که ایستادن در گوشه‌های کلاس که نقاط صفر کلاس نیز هستند، نه تنها توجه کودک را به آموزگار جلب نمی‌کند، بلکه ممکن است صدای آموزگار را به خوبی به کودک نرساند و او فکر کند از دایره‌ی توجه دور است. قدم زدن در کلاس هم به خصوص اگر کفش کمی پاشنه داشته باشد و تق تق صدا بدهد. حواس کودک را هنگام نوشتن پرت می‌کند. کلمه به کلمه گفتن و مدام مکث کردن هم سبب می‌شود که کلمه در ذهن کودک دشوار جلوه کند. شنیدن یک کلمه به تنهایی، باعث می‌شود کودک فکر کند کلمه‌ی سختی است یا جایی آن را نشنیده است. برای مثال، کلمه‌ی «صحرا» مانوس‌تر است یا اینکه بگوییم شتر صحرانورد است! گفتن کلمه‌ی شتر، کلمه‌ی صحرا را نیز به یاد می‌آورد. به عبارت دیگر، کلمه‌ی املا‌یی را باید در قالب جمله گفت. - نکته‌ی دیگر این است که مکث زیاد در ادای کلمه‌ها خوب نیست. تازه گاهی تذکر هم می‌دهیم که مثلاً با بغل دستیت ات حرف‌زن، فقط بنویس. «ساکت! خُب نوشتید، حالا بنویسد: ش...ث...ر...ص...ح...را نورد... و دوباره راه می‌رویم و همین کلمه‌ها را تکرار می‌کنیم. به این ترتیب، به راحتی کودک را سردرگم می‌کنیم.

- آرام گفتن، آهنگین بودن جملات و به عبارت دیگر، نبود بسامد ثابت و یکنواخت در بیان جملات و کلمات نیز در نوشتن تأثیر خوبی دارد و کمک می‌کند ذهن کودکان متمرکز بماند.

پس به هنگام املا گفتن:

- باید در وسط کلاس بایستیم؛

- جمله‌ها را آرام و متین و کوتاه بگوییم.

- جمله را یک بار بگوییم؛ بدون حاشیه و

فرصت بدهیم کودک شکل کلمه را به

یاد بیاورد.

- اجازه بدهیم کودکان

در حین نوشتن ما

را ببینند. ما هم

